

به چیستی ها خوش آمدید.

<http://chistiha.com>

لینک گروه:

<https://t.me/joinchat/Aesof0Ja90QD1mvfXRUa1w>

آدرس سایت :

www.chistiha.com

لینک کانال:

[TirdadPhilosophyChannel@](https://www.youtube.com/channel/UC...)

نشانی وبلاگ:

[/http://chistiha.blogfa.com](http://chistiha.blogfa.com)

معماری کلاسیک

نوشته: رابرت آدامز

ترجمه: حسین سلطان زاده

دفتر پژوهشهای فرهنگی

تلخیص: م. بوذری

تایپ: م. باقری

تعداد صفحات: 30؛ تعداد کلمات: 6150؛ قابل مطالعه در 10 نشستِ 10 دقیقه ای



به نام خدا

میراث کلاسیک

1- خاستگاه:

از نخستین روزهایی که انسان زراعت و اهلی کردن چهارپایان را فراگرفت، قبیله هایی در ناحیه های حاصلخیز واقع در اطراف دریای مدیترانه ساکن شدند. همانگونه که خانه ها و معابد این قبیله ها به طور روزافزون و در جهت تغییرات نحوه ی زندگی شان توسعه می یافت و پیچیده تر می شد. و کم کم ساختمانهای ساده ی اجدادی آنان جای خود را به ساختمانهایی با طرح و تزئین جدید می داد.

معابد و مقابر سنگی مصر از لحاظ شکل، حجاری و نقاشی تزئینی غالباً به تقلید از خانه های جدید نخستین کشاورزانی که در کنار نیل سفلی زندگی می کردند، ساخته شده است. حتی امروز هم خانه هایی شبیه به آنها در روستاهای کناره ی جنوبی بین النهرین دیده می شود.

در قرن نهم پیش از میلاد، ساختمانهایی با خشت پخته در نزدیک کورنت در یونان به الهه "هرا" هدیه شدند. تأثیر نخستین میراث باستانی در اثنای تاریخ طولانی معماری کلاسیک باقی مانده است، گاهی نیمه ی فراموش شده و گاهی به شکلی آشکار برای زنده ساختن این شیوه، اما هرگز کاملاً غایب

و تهی نبوده است. هر ساختمان کلاسیک نمونه ای از کلبه های ابتدایی است و کاربرد معماری کلاسیک سندی زنده از سرچشمه های فرهنگی تمدن غربی است. *

2- مصر

اساس معماری یادمانی غربی در مصر بوده است. در زمانی که نخستین نشانه های تمدن در یونان پدید آمد، معماران مصری ساختمانهایی عظیم و سنگین را طی پانزده قرن پیش از آن ساخته بودند. خاک بسیار حاصلخیز اطراف رود نیل و بهره برداری از این منبع موجب پیدایش تمدنی شد که "خدا-پادشاه" یا "فرعون ها" بر آن حکومت می کردند. شیفتگی به ابدیت و خلق زندگی پایدار بر معماری مصر باستان حاکم بود.

اهرام نخستین بناهای یادمانی بزرگ برای جهان غرب به شمار می رفتند که با قطعات بریده شده سنگ ساخته شده بودند. شهرت اهرام به دوره ی باستان باز می گردد؛ اما بر اساس کارکرد منحصرأ آرامگاهی و اندازه ی عظیم آنها، هیچ تأثیر عملی بر روی توسعه ی تمدن یونان به شمال نداشته است و این نکته ی قابل توجهی است. اما بعدها ویژگی های خاص معماری مصر تأثیر شدیدی بر توسعه ی سبک کلاسیک و برخی عناصر معماری رومی داشت. البته با آنکه برای مدت پانزده قرن همچنان باقی ماند، اما در عهد باستان هیچ یک از سبک های مصری در معماری سایر کشورها نفوذ نداشت. شاید به این دلیل که سرزمین های اطراف مصر از نظر معیشتی فقیرتر از مصر بودند. مثلاً مقایسه ی خزانه ی

آترئوس در حدود 1300 قبل از میلاد، با معابد باقیمانده از تمدن مینوسی و میسنی در حاشیه یونان به خوبی تفاوت بین پیشرفت ها و ثروت مصر را در مقایسه با همسایگان شمالی اش نشان می دهد. *

3- معبد یونانی

تمدن های مینوسی و میسنی در 1100 قیاب از میلاد از بین رفتند و تمدن یونانی در طی چهار قرن به انحطاط گرایید تا حدودی 800 قبل از میلاد یونان راکنده شدند و دولت شهرهایی در یونان، جزایر اژه و در ساخل غربی ترکیه ایجاد شد. با این حال، همچنان خدایانِ ماقبل تمدنی را که یونانیان از عهد باستان به جا گذاشته بودند، در فرهنگ این مردم باقی ماند و خانه هایی که برای آنها ساخته شده بود، به نمونه ها و معیارهایی برای معماری غرب تبدیل شد.

از ساختمانهای خشتی و گلی، نوعی طراحی جدید معبد پدید آمد. نخستین معابد دارای سقف های گلی صاف یا سقف هایی از نی بودند، اما در قره هشتم قبل از میلاد معماران به ساختن سقف های مثلثی شکل یا سنتوری روی آوردند با نقشه ای به شکل یک مستطیل ساده و سقف کوتاه. این نوع سقف در معابد مهمتر، بر روی فضایی ستون دار و باز در حاشیه ی معبد اجرا شد و در واقع سبک کلاسیک از همین جا به طور مشخص پدیدار شد.

سپس تناسبات ظریفتری به کار گرفته شد؛ هرچند که چندان از طرح اولیه ی معابد دور نشد. مجسمه ی خدایان همچنان در محوطه ی محصورى جای داده می شد. در صورت لزوم، رواق یا ردیفی از ستونهای داخلی به نگهداری سقف کمک می کرد، ورود از طریق ایوانی صورت می گرفت که اغلب در

پشت نیز تکرار می شد و در حاشیه ی تمام ساختمان فضایی ستوندار قرار داشت. معماران یونان باستان بیش از دو قرن تلاش کردند تا تنها یک نوع فرم ساختمانی را به کمال برسانند و در این راستا نوعی معماری خلق کردند که به مدد توان و ظرفیت ماندگار خود بیش از دو هزار سال به عنوان نمونه آرمانی جهانی باقی ماند.

کمال یونان

پس از پیروزی یونانیان بر ایران در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، نیروی دریایی شهر آتن برتری یافت. پریکلس از اهالی آتن، با اختصاص اندوخته ی مالی نیروی دریایی نیروهای ائتلافی، گونه ای نیروی مردمی را ایجاد نمود که موجب ایجاد برنامه ای عمومی در زمینه ی ساختمان سازی نیز شد که نوعی معماری با مهارت و کمال بی سابقه محسوب می شد. بزرگترین بناها از این نوع، پارتنون، معبد اهدایی به الهه آتنا بود که آن را نقطه ی اوج در تحول معابد سنتی یونان و اوج تحول نظام سنتی معماری به نظام دوریک معماری می دانند که نام پارتنون با نظام دوریک عجین شده است. معبد جدید که در سال 438 قبل از میلاد به آتنا اهدا شد، به صورتی غنی با مجسمه تزئین شده بود و اثر دو معمار به نام های گالیکراتس و ایکتینوس بود. طراح آن چند شیوه ی بصری را در هم آمیخته بود که این شیوه ها البته به خودی خود قابل تشخیص نیستند. معمار احتمالاً قصد داشته تأثیرات نامطلوب بصری را که انواع شکل های مستطیل ایجاد می کند، اصلاح نماید. در واقع در همان دوره ای که دولت شهرهای یونانی دوران کوتاه اوج سعادت و رفاه خود را سپری می کردند، برای آیندگان خود نوعی معماری را خلق کردند که قرن ها بعد به کلاسیک معروف شد.*

1- هلنیسم

استقلال دولت شهرهای یونانی موجب ویرانی آنها شد. پس از قتل فیلیپ، حکومت یونان به پسر جوان او، اسکندر، به ارث رسید. با سلطنت اسکندر، دوره ی صد و پنجاه ساله ای که آنرا هلنیستیک می نامند، آغاز شد. پس از مرگ اسکندر، امپراطوری وی بین سرداران او تسیم شد و این تمدن جدید یونان برای آنکه با جهانی متفاوت تر واقع در آن سوی دولت های داخلی یونانی منطب شود، تحول پیدا کرد. معماری یونانی بر اساس تحول و تکامل یک نوع ساختمان یعنی معبد استوار بوده است. این نوع ساختمان نمی توانست برای همه ی نیازهای کارکردی گوناگون جامعه ی پیچیده تری که اکنون (پس از فتوحات اسکندر) شاکل گرفته بود، کاربرد داشته باشد. در این معماری نوعی انطباق مهم روی داد که بر بنیان اصول معماری کلاسیک استوار بود. در حدود 200 قبل از میلاد، رُم که از مدت ها پیش از آن نمونه های معماری دوریک یونانی را رها کرده بود، از سبک بین المللی تری که هلنیستیک بود بهره گرفت. به طور مثال در معبد پورتنوس در رُم می بینیم پله های ورودی و دیوارهای یکپارچه ی پهلویی به سبک سنتی رومی است. اما در قسمت نمای ظاهری بنا از معابد ایونیک یونانی اقتباس شده است. باید دانست که وقتی عناصر معماری کلاسیک به رُم رسید، نه فقط در بناهای یادمانی تاریخی بلکه اصول معماری دوره ی هلنیستیک یونان نیز مورد تقلید و اشاعه قرار گرفت. *

2- امپراطوری روم

شهر رُم به مدت دو قرن برای آشتی دادن تضاد موجود میان سلطه ی رو به گسترش اش بر مدیترانه با دموکراسی دولت شهرهای خود کوشش کرد. تقریباً همزمان با شکل گیری امپرانوری مطلقه در اواخر قرن نخست قبل از میلاد کاربرد سنگ های آتشفشانی همراه با آهک، در ساختمان سازی انقلابی پدید آورد و معماری کلاسیک را دگرگون کرد. امپراطوران برای نگهداری ساختمانها و حفظ محبوبیت خود در شهر رُم تلاش کردند. امپراطوران ثروتمند بناهایی وسیع برای سرگرمی مردم و آراستگی شهرها بنا کردند.

شاید معروفترین این ساختمانها کوکوسئوم باشد که احداث آن در سال 70 پس از میلاد به وسیله ی امپراطور و سپاسیان، شروع شد. این ساختمان گنجایش 50/000 نفر را داشت. در این ساختمان ردیف ستونها (رواقها) و قوس ها که نمای بیرونی را تزئین می کند، ابعاد جدیدی به معماری کلاسیک اضافه کرد. علاقه ی رومی ها به آنچه که اصطلاحاً "حمام های ترکی" می گویند، روزنه ی دیگری برای دست و دلبازی امپراطوری در زمینه ی شکوه معماری فراهم آورد. معبد خدایان در پانتئون که توسط امپراطور هادریان در 120 پس از میلاد ساخته شد، کاملترین تصور و درک را از بناهای بزرگ امپراطوری برای ما ایجاد می کند. توجه و تمرکز جدید بر روی فضاهای داخلی، و انطباق سنت یونانی و هلنیستیک با امکانات تازه سازه های ساروجی موجب دگرگونی سنت کلاسیک شد و به وسیله ی شأن و منزلت امپراطوری حمایت می شد. *

3- اواخر امپراطوری روم

امپراطوری روم طی یک قرن به سوی سواحل ایتالیا رسید. در قرن سوم پس از میلاد، فشار اقشاراقوام ساکن در مرزهای شمالی و شرقی موجب طاعون و سرانجام هجوم بر قلب امپراطوری شد. کم کم توم و مالیات ها موجب ویرانی پایه های آن نوع فرهنگ شهری شد که ویژگی و هویت تمدن جهان باستان بود. در اواخر قرن سوم، امپراتور دیوکلسین اصلاحاتی در مورد تقسیم، دگرگونی و نجات امپراطوری انجام داد. هنگامی که امپراطوری روم در حال اصلاحات و بازسازی بود، فرهنگ کلاسیک به هیپ وجه دیگر در انحصار نژادهای قدیمی مدیترانه قرار نداشت. در اصلاحات امپراطور دیوکلسین ایام کناره گیری و نیز بازنشستگی او پیش بینی شده بود و در سال 300، او در وطن خویش در یوگسلاوی کاخی برای خود ساخت.

کنستانتین امپراطور ماکزنتیوس را در سال 312، در خارج از رُم شکست داد و قدرت را به دست گرفت. تالار عمومی ناتمام ماکزنتیوس یا "باسیلیکا" در فوروم اطلاق شد و به عنوان بخشی از برنامه ی ساختمان سازی کنستانتین برای شهر کامل شد. ساختمان ها اواخر امپراطوری روم نه از خاستگاه دور سونانی بلکه از ساختمانهای نخستین امپراطوری و نمونه های ناخالص ایالت هایی که حاکمان خود را به رُم فرستاده بودند، الهام گرفته بودند.

آشنایی کامل با امکانات هنر سی قوس ها و طاق های ساروجی و اقتباس از ابداعات ناحیه ای، مانند قوسی که به طور مستقیم از روی ستون ها برپا می شد، به سنت کلاسیک اضافه شد و نخستین بناهای خاص مسیحیت را ایجاد کرد.*

1- بیزانس (روم شرقی)

در 476 میلادی، امپراطوری روم از غرب در برابر مهاجمان تسلیم شد و امپراتوری به دست شرقیان افتاد پایتخت امپراطوری روم شرقی، بیزانس یا کنستانتینوپل بود. معماری بیزانس تداوم مستقیم سنت کلاسیک بود. ساختمانهای ابتدایی بیزانتین از سایر نمونه های متعلق به اواخر دوره ی امپراطوری متفاوت است. امپراطور ژوستینیان در 532 قراردادی با ایرانیان امضا کرد که سربازان او را برای فتح مجدد، ایالت های از دست رفته در افریقا و حتی روم آزاد گذاشت. در باشکوه ترین دوره، بزرگترین ساختمان امپراطوری شرقی، ایاصوفیا در استانبول ساخته شد. این ساختمان عظیم گنبدی، نقطه ی اوج و کمال هندسه ی داخلی اواخر روم را اخذ کرد. این سازه ی متهورانه اجازه می داد که پنجره هایی در بالای گنبد قرار داده شود و قوس های حائل آن اجازه می داد که گنبد آن از نگاه عابران به صورت شناور در آسمان به نظر رسد.

اکنون نمونه ی متمایز بیزانس بر اساس سبک کلاسیک پدید آمده بود و به وسیله ی نمونه های جدیدی از سرستونهای سنتی تزئین شده بود. طی نه قرن، یعنی عصر با عظمت ژوستینیان، این سبک تداوم داشت، آن هم در قالب ساختمانهای کوچکی که معماران آنها طرح های هندسی پیچیده را ادامه دادند. تا اینکه آخرین امپراطور رومی، استانبول را در 1453 ترک کرد و در واقع معماری

کلاسیک بیزانس به پایان رسید. با این حال، همچنان در ساختمان های اروپای شرقی و حتی در ساختمانهای عثمانی تداوم آن معماری به چشم می خورد.

خروج از دوران تاریکی

وقتی امپراتوری روم غربی سقوط کرد شهروندان رومی مدت دو قرن بود که در کنار قبایل مهاجر بربر زندگی می کردند. با این همه آرمان های امپراتوری زنده ماند و ساختمان ها به عنوان یادگارهایی استوار از مهارت های از دست رفته و زندگی یکجا نشین تمدن سازمان یافته بر جای ماند. در این میان شارلمانی، پادشاه قبایل فرانک، تسلط بر فرانسه، آلمان و بخش عمده ای از ایتالیا را به دست گرفت. او در سال 800 میلادی در روم به عنوان امپراتور روم غربی، امپراتور مقدس رومی توسط پاپ تاجگذاری کرد. شارلمانی در احیاء فرهنگ رومی اقدامات قابل ملاحظه ای انجام داد. بناهای دوران او مانند "دروازه ی صومعه" در لورش، نمونه ای تقلید از عظمت روم بود و نیز احیای شکوه طاق نصرت رومی. در دوران حکومت کوتاه شارلمانی، بالهام از بناهای اواخر روم و دانش ناکامل معماری با عظمت امپراتوری شرقی، نوعی کلاسیسیزم بربری اروپایی پدید آمد. این معماری جدید با توجه به منشاء رومی آن، رومانسک نامیده شد که در بریتانیا آن را نورمن می نامند. کلیسای های بزرگی مانند سانتیگو دو کومپو ستلا در اسپانیا در 1080 ساخته شدند.

سازه های بزرگ سنگی با روش که یادآور خلق شکل هایی از مهارت های از دست رفته در ساختمان سازی با ساروج بود طراحی می شدند و در کارهای تزئینات آنها کوشش می شد که

موضوع‌هایی که از یونان باستان به ارث رسیده بود، با هندسه بربری تقلید شود. با احیاء عظمت سنت‌های قبل معماری اروپایی احیاء شد و به دوران قرون وسطی وارد شد.

پیدایش گوتیک

غرب پس از چند قرن تهاجم، جنگ و ویرانی در قرن دوازدهم به دوره‌ای از آرامش نسبی و ثبات رسید و مراکز آموزشی در شهرهای کلیسایی توسعه یافت. کشیشان مطلع و ثروتمند از کلیساهای کلاسیک روم و بناهای یادمانی کنستانتین در فلسطین دیدن کردند و کلیساهای خودشان را با جزئیاتی حجیم، تزئینات و فضاهای داخلی زمخت مانند بربرها ملاحظه کردند.

وقتی که سازندگان کلیساهای جامع در جستجوی خلق ساختمان‌هایی به سبک باستانی بودند، علاقه‌ای به باز تولید دقیق آنها نداشتند، اما ابعاد سمبولیک و برخی از خصوصیات معماری آنها را تکرار و تقلید می‌کردند. ساختمان‌هایی در فرانسه شرقی حدود 1089 میلادی، در زمینه‌ی تزئینات کلاسیک دارای نخستین نمونه از قوس نوک تیز (جناغی) بود که از ساختمان‌های عربی که در سیسیل، اسپانیا، یا فلسطین دیده می‌شد، تقلید شده بود و مرکز رهبری راهبان فرقه‌ی کلونی بود. به دستور اسقف‌های ثروتمند فرقه‌ی کلونی در شمال فرانسه کلیساها با تعبیه سطوح وسیعی از شیشه‌های رنگی ساخته شد که نوری رمزآمیز و عرفانی را بر روی رواق‌ها و ردیف ستون‌های کلاسیک داخلی ایجاد می‌کرد.

وزن طاق‌های سنگی به کمک ساختن قوس‌های متقاطع اریب در بین ستون‌ها کم می‌شد. این قوس‌ها یا تویزه‌ها وزن و نیروی وارده را به نیم قوس‌ها و یا شمع‌های حائل (پشبندهای معلق یا شمشیری) منتقل می‌کردند زیرا به دیوارهای خارجی متکی می‌شدند.

در این اسکلت‌بندی جدید با قوس‌های نوک تیز، ساختمان‌هایی بلندتر و سبک‌تر با پنجره‌هایی بزرگ‌تر ایجاد شد. در کلیسای جامع چارترز آرمان معماری کلاسیک به سبب ارتفاع ساختمان و کاربرد شیشه در آن محو و پایمال شد. حال دیگر معماری قرون وسطی سبک خودش را برای الهام داشت، اما این شیوه‌های بود که از منظره‌ی تیره و مبهم روم پدید آمده بود.

رنسانس

در نتیجه‌ی ثبات اشرافیت و تجارت، آن دولت شهرهایی که در تقاطع راه‌های اروپا و جهان اسلام و بیزانس واقع شده بودند به بانکداران اروپا تبدیل شدند و ثروت و قدرت زیادی نزد خود متمرکز کردند؛ ظرافت شکننده‌ی گوتیک پیشرفته هرگز در ایتالیای مرکزی جایگاهی نیافت. برخورد با هنر بیزانسی نوعی واقع‌گرایی انقلابی را در قرن سیزدهم وقتی که هنر تحت سیطره‌ی سمبل و قراردادهای بود، موجب شد و فلسفه‌ای جدید، یعنی انسان‌گرایی (هومانیزم)، ظاهر شد.

انقلاب هنری بزرگ، معروف به رنسانس، از سرزمین ایتالیا در اوایل قرن پانزدهم پدید آمد. هنرمندان عصر رنسانس با طرد گوتیک و الهام از هنر روم باستان تحولی عظیم در جامعه ایجاد کردند. میکلو تسو در 1440 کاخ خانواده‌ی مدیچی را به صورت قلعه‌ای نظامی طراحی کرد. والبرتی، کلیسای سن آندریا

را مانند آن در سال 1470 طراحی کرد که نمونه‌ای از معماری کلاسیک محسوب می‌شد و همانند باسیلیکای کنسانتین، از فضاهای داخلی طاقدار رومی برده برده بود. او از نقشه‌ی رایج کلیسای طویل پیروی کرد، اما جناح‌ها یا راهروهای کناری را برای نگهداری وزن زیاد سقف سنگین به نمازخانه (عبادتگاه) تبدیل کرد. در نمای خارجی این بنا از طرح قوس طاق نصرت رومی استفاده شده بود. رنسانس اولیه در ایتالیا، رویدادی فکری بود که اروپا را به جهان مدرن وارد کرد. نوعی آگاهی و درک تازه در تاریخ همراه با نیروی اصالت موجب خلق معماری کلاسیک جدید با زیبایی فراوان شد.

رنسانس پیشرفته

در 1417 پاپ مارتین پنجم انتخاب شد، در این سال‌ها توجه جدید به روم باستان به مطالعه‌ی دقیق بسیاری از بناهای باقی مانده منجر شد، اما متأسفانه جستجوی سنگ برای احداث ساختمان‌های جدید موجب انهدام آنها شد. روم به یک مرکز فرهنگی بزرگ و مرکز پیشرفت در معماری و هنر رنسانس تبدیل شد. در 1502 معمار برامانته یک نمازخانه‌ی کوچک برای نشان دادن محلی که به شکل سنتی گمان می‌رفت سنت پیر در آنجا شهید شده بود، طراحی کرد و طرح آن بر اساس آثار باقیمانده از معابد گرد رومی تهیه شده بود؛ این ساختمان همچون جواهری در رواج رنسانس مورد تمجید قرار گرفت که معادل بناهای باستان محسوب می‌شد.

چندین ساختمان شبیه به هم ساخته شدند که همه دارای یک فضای گنبددار هستند و از معماری باستان‌الهام گرفته و شکل‌های هندسی خالص را با همان جذابیت آکادمیک توانمند دارند.

رسانس پیشرفته دانش بیشتری نسبت به دوران کهن برای ارضایی علاقه‌ی اهل فلورانس به جهان باستان به ارمغان آورد. گذشت زمان همسویی کاملی با امکانات طراحی کاسیک به همراه آورد و امکانات خلاقیت وسیعی را آشکار کرد که شاید به دلیل میراث ناخود آگاه قرون وسطی پنهان بود.

منریسم (شیوه‌گری)

در 1527 نظامیان امپراتوری اسپانیا به ایتالیا وارد شدند و شهر روم را تسخیر و پاپ را اسیر کردند. در این سال‌ها، در پی جدایی مکتب لوتی از کلیسا، جنگ در ایتالیا موجب بی‌توجهی و فساد شد و رسانس پاپی به پایان رسید. در هنرها، جریان یک قرن خلاقیت مبتنی بر اندیشه‌ی انسان‌گرایی استدلالی پایان یافت و تغییرات بنیادی و اساسی‌ای بروز کرد.

در معماری، تغییرات همه‌جانبه‌ای وجود داشت: ستون‌ها به اندازه‌ی یک میله‌ی برجسته در بیرون قسمتی از نمای خارجی باریک شدند. و قاب تزئینی دور درگاه (فرسب) که در بالا بود، با راس منحنی شکل معمولی یا سنتوری به دو نیم تقسیم می‌شد. در ساختمان کاخ دلته، در دو سوی محور تقارن نما، سه قوس وجود داشت و ستون‌های واقع در دو سوی این محور با فاصله‌هایی نامنظم نسبت به هم قرار گرفته بودند. در کنار این‌الگوی نامنظم سنگ‌های بین ستون‌ها نیز دیده می‌شوند که خارج از دریف هستند.

میکلانژ بیش از هر هنرمند دیگر طراحی کلاسیک را از قواعد سخت و استوار رها کرد. در ساختمان‌های طراحی شده توسط او، اصول و جزئیات ساختمان تغییراتی را نشان می‌داد که گویا به پشتوانه‌ی جواز هنری میکلانژ دارای چنین تغییراتی شده بودند.

هر چند منریسم در این دوران اثری تکان دهنده و نمایشی خلق کرده بود، اما بسیاری از ابتکارات این دوره موافق با سنت کلاسیک تشخیص داده شد.

رنسانس در شمال

در هنگام ظهور رنسانس بسیاری از کشورهای هنوز به سبک گوتیک متکی بودند. فرانسه نخستین کشوری بود که در پی تهاجم بر ایتالیا در 1494 و قرار گرفتن در بافت سیاست آن کشور تحت تاثیر معماری جدید قرار گرفت. بناهای بزرگ "شاتو دو شامبور" به وسیله‌ی معمار ایتالیایی به نام "دو مینیکو داکور تورنا" در 1519 طراحی شد. در این سبک جدید سنت متمایز و جدیدالتقاطی شکل گرفت و توسعه یافت تا آنکه مشارکتی بی‌همتا از سبک فرانسوی با سنت کلاسیک پیدا آمد.

در این زمان معماری ایتالیایی خلوص جهان باستان را به دلیل کجروی‌های منرسیم به شکلی جدید پدیدار کرد. هنگامی که در 1572 رابرت اسمیتسون قرار شد. خانه‌ای برای یک درباری ثروتمند در لانگلیت در بیلاقات انگلیس طراحی کند، تزئینات متقارن ظریفی از ستون و اجزای کلاسیک بوجود آورد. پنجرها همچنان به سبک گوتیک متاخر، بزرگ بودند و سقف نیز صاف و مستقل در نظر گرفته

شد. سبک کلاسیسم در زمانی و در قالبی ظهور کرد که اروپا شدیداً تحت تاثیر سنت‌های گوتیک ایتالیا بود اما با این همه و در عین کمی ارتباطات کشورهای اروپایی گسترش فوق‌العاده یافت.

باروک بین‌المللی

کلیسای رومی که به وسیله‌ی نهضت پروتستان‌ها متلاطم شد در یک سختگیری مبارزه‌جویانه‌ی ملهم از اسپانیا بر ضد اصلاحاتی که برای عقب راندن موج پروتستان‌گرایی طراحی شده بود صفوف خود را پالوده کرد. یک سبک هنری و معماری برای تامین نیازهای این روح جدید خود عفو کردن پدید آمد. معماری کلاسیک تا این زمان خود را در هر جا جلوه‌گر می‌ساخت و با اقتباس و پذیرش جهانی باروک، تمام قاره برای نخستین مرتبه از قرن سیزدهم در یک نوع معماری با یکدیگر سهیم و مشترک شدند. نخستین بناهایی که در فرانسه بقایای سنت گوتیک را کنار نهادند، از سبک منریست ایتالیایی بهره بردند که موجب تولد باروک شد. جان لورنتسو برنینی، مجسمه‌ساز و معمار رومی، یکی از مهمترین اشخاص در توسعه‌ی باروک بود. در سال 1658 برنینی در ساخت کلیساها کلیه‌ی عناصر مختلف کلاسیک را با هم ترکیب کرد. قدرت سیاسی فرانسه در قرن هفدهم موجب ارائه و معرفی سبک جدید به همسایگان شمالی آن شد. ظاهر پر ابهت باروک، به ماندگاری سنت کلاسیک کمک نمود. باروک برای دستیابی به آزادی و ابتکار خود تکیه بر انحراف از منریسم و همسویی با رنسانس داشت. معماری باروک در بسیاری از جنبه‌ها به آزادی موجود در معماری کلاسیک روم باستان نزدیک‌تر بود.

پلادیو و میراث او

جنگ‌ها قبیله‌ای در 1527 و 1530 روم و فلورانس را تضعیف کرد. در چنین جو پر تحرکی، آندریپلادیو، معمار معروفی بود که پیشرفت زیادی کرد. بناهای او ترکیب متمایزی از آزادی شیوهی منریسم و دانش اوج رنسانس بود. مطالعه‌ی شخصی او درباره‌ی ویرانه‌های روم و آزادی هنری آن زمان، چشم او را به آزادی کشف نشده در معماری باستان باز کرد. ویلاهای بیلاقی پلادیو فصل جدید در معماری کلاسیک بیان گذارد. در سال 1570 پلادیو کتابی را به عنوان "چهار کتاب معماری" منتشر کرد که به یک کتاب راهنما برای طراحی کلاسیک تبدیل شد. اوج‌گیری بریتانیا به عنوان قدرت بزرگ پروتستان به پلادیانیسم جدید هویتی ملی و موقعیت بین‌المللی پایداری داد. ترجمه متن "چهار کتاب" اثر پلادیو و شهرت پایدار آن و موقعیت رو به اوج بریتانیا در جهان به عنوان قدرتی عظیم و پدر انقلاب صنعتی آشکارا به پلادیونیسم حیاتی طولانی و محبوبیتی گسترده داد.

روکوکو

در نیمه‌ی نخست قرن هجدهم، در اسپانیا، فرانسه، ایتالیا و دولت‌های اروپایی مرکزی و کاتولیک به شدت تزئینات شلوغ نما و جنبه‌های بصری تظاهر گونه‌ی باروک روآورده بودند. در حالی که بریتانیا رهبر قدرتند پروتستان محسوب می‌شد اسپانیا موطن اصلی روکوکو شده بود و تاثیراتی که از وجود هشتصد سال خلافت اسلامی در این سرزمین ایجاد شده بود خود را در معماری قرن هجدهم به خوبی نمایان می‌کرد. جنگ‌های سی ساله در اروپا فراموش شد و ترک‌ها از اتریش خارج شدند و اروپا راه تعالی را می‌پیمود. در این زمان، معماران محلی جانشین معماران ایتالیایی شدند و نوعی روکوکوی ناحیه‌ای بسیار کامل برای ساخت کلیسا و کاخ بوجود آمد. روکوکو اساساً نوعی تزئینات بود که در بهترین حالت با نوعی معماری ترکیب می‌شد و از آن می‌شد برای اجزای داخلی، مبلمان و اشیاء ساخته شده استفاده کرد. روکوکو راه خود را از فرانسه به بریتانیا گشود. آزادی چشمگیر تزئینات و پیروی نکردن از تقارن مگر در مورد مواردی خاص وجه تمایز روکوکو از اصول معماری باستان است.

کلاسیسیزم جدید

در اواسط قرن هجدهم و همزمان با گسترش انقلاب صنعتی، در فرانسه و امریکا جمهوری خواهان خواستار طرد ویکتاتوری موروثی پادشاهان شدند و در انگلستان نیز حکومت سلطنتی تضعیف شد. فلاسفه‌ی اروپایی در پی تبیین "حقیقت"، فارغ از قراردادهای اجتماعی و صرفاً با توسل به خصوصیات طبیعی انسان بودند. احیاء گوتیک شروع شد و اروپا و امریکا به گونه‌ای با گذشته مرتب

شدند. در سال 1740 معماران در آکادمی فرانسه در روم طرح‌هایی ابداع کرد که بر پایه‌ی تصور آنان بر اساس یادمان‌های باستانی شهر روم بود. این نخستین نمونه در روند جدید رویکرد کلاسیک یا نئوکلاسیسیزم به شمار می‌رفت.

رهبران انقلابی در اواخر قرن هجده، برای آرزوهای خود از معماری جدیدی به‌رمند شدند که مبتنی بر سبک یونان باستان و روم بود. انقلاب‌های سیاسی و بصری در فرانسه شدیدتر از سایر نقاط بود. طرح‌های جدید و ابداعی معماران فرانسوی شامل طرح‌هایی برای شهرها و بناهای یادمانی می‌شد و در واقع تئوری‌های سیاسی و آرمان‌های نمادین را بیان می‌کرد.

احیای رنسانس

تا اواسط قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی در زادگاه خود، بریتانیا، تأثیرات مثبت و منفی زیادی گذاشت. تأثیر انقلاب فرانسه به اتریش، آلمان، سوئیس، بلژیک، و ایتالیا نیز سرایت کرده بود. هنرمندان به بیان احساسات و اعتقادات خود توجه بیشتری کردند معماران از نظم و قاعده‌ی ساده‌ی بنای نئوکلاسیک دور شدند. طرفداران احیای گوتیک به مذهب پیوستند و مشارکت و پیوند محدود خود را با معماری کلاسیک جداً کنار گذاشتند. احیای رنسانس در کنار و مقابل معماران نئوکلاسیک که داشتند به کار خود ادامه می‌دادند، باعث حل و فصل شدن مسائل عصر جدید شد. آزادی بیشتر در ابداعات و نوآوری‌های، موجب ایجاد نقشه‌های پیچیده‌تر شد. ابهام موجود در ارتباط میان رنسانس نخستین و

معماری گوتیک، و تنوع موجود در هنرهای رنسانس، پس از التقاط سبک‌ها به طور آزاد در قرن نوزدهم، پدید آمد.

نهضت هنرها و صنایع دستی

انقلاب صنعتی قدرت و ثروت نخستین را برای بریتانیا به ارمغان آورد، اما مضراتی نیز داشت. در عین حال گوتیک احیاء شد، نه تنها به عنوان سبکی مسیحی و انگلیسی تلقی می‌شد، بلکه قرون وسطی از لحاظ اخلاقی به عنوان دوره‌ای آرمانی تلقی می‌شد.

نهضت هنرها و صنایع دستی پس از نوشته‌های راسکین و ویلیام موریس در دهه‌ی 1860 بوجود آمد. در این جنبش تاکید بر روی اصول اخلاقی بود. تزئینات مختصری روی کارهای دستی ایجاد می‌شد که خریداران آگاه، با اشتیاق از آن استقبال می‌کردند.

معماران آن زمان حرکتی را برای دور شدن از گوتیک به سوی سبکی آزاد، انگلیسی و کلاسیک آغاز کرده بودند که به سرعت در ایالات متحده نیز تقلید شد و گسترش یافت.

تجدید حیات باروک و هنرهای زیبا

در سال 1871 ایتالیا و آلمان متحد شدند. امریکا از جنگ داخلی آسوده شد، و ژاپن در شرق خودنمایی کرد. به طور کلی هر یک از این امپراتوری‌ها در پی فعالیت تبلیغاتی خود بودند. تکوین و تثبیت هنر و ادبیات، آرمان‌های امپراتوری را توسعه داد و بر پیروزی‌های امپراتوری روم تکیه کرد. در

انگلستان و فرانسه معمارن مطابق آموزش‌های آکادمی روم عمل می‌کردند. در اواخر این قرن بعد از مدرسه‌ی معماری در پاریس، سبکی پدید آمد که هنرهای زیبا نامیده می‌شد. ساختمان کاخ کوچک ژيرو در نمایشگاه سال 1900 پاریس نمونه‌ای از این سبک است. در امریکا نیز سبک هنرهای زیبا مبتنی بر سنت باروک رواج یافت. مانند کتابخانه‌ی عمومی نیویورک در 1911 که به وسیله‌ی کریر و هستینگز ساخته شد. تجدید حیات گوتیک در نهضت هنرها و صنایع دستی در بریتانیا نیز چشمگیر بود. به طور کلی، ملی‌گرایی امپریالیستی یکی از عوامل موثر در پیدایش جنگ جهانی اول و پیدایش سوسیالیسم انقلابی جهانی بود. سبک عالی کلاسیک نو و سبک منطقی گوتیک احیاء شده، موجب ترد نهضت و جریان هنری انقلابی مدرن شد و به ایجاد یک جهان جدید سوسیالیستی انجامید.

بین دو جنگ

پس از جنگ جهانی اول در میان کشورهای پیروز، ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه، دموکراسی‌های خود را حفظ کردند. فاشیسم شکست خورد و انقلاب کمونیستی روسیه موجب بی‌ثباتی‌هایی گردید. در روسیه و آلمان هنرمندان و معماران نوآور در زمینه‌ی نهضت مدرن کوشش کردند که به طور کلی از سنت‌ها دور شدند. اما حکومت‌های هر دو کشور روسیه و آلمان برای ابقای خود به معماری سنتی تاکید داشتند. اشپیر، معمار زمان هیتلر بر اثر تاثیرات شینکل، معمار نئوکلاسیک پروسی، طرح‌هایی باشکوه برای عظمت بخشیدن به نازیسم آلمان طراحی کرد. در بریتانیا، معمارانی همچون لوتینس به ساختن نمونه‌هایی مشابه باروک پیش از جنگ مشغول شدند. در مجموع جو تازه‌ای از گرایش به

سادگی پدیدار شد. سادگی این سبک از کلاسیک به نهضت مدرن امکان داد که مناسبات کمتر متضادی را با معماری کلاسیک در کشورهای اسکاندیناوی برقرار کند. اسپلونند، معمار سوئدی یکی از نمایندگان اصلی نوکلاسیک اروپایی شمالی بوده است.

آغازی نوین

پس از پایان جنگ جهانی دوم پیروان نهضت مدرن‌گرایی بر این باور بودند که برتری این نهضت چنان است که شایسته‌ی جهانی شدند دارد. البته بعد از 25 که تسلط کامل نهضت مدرن گذشته مقاصد اجتماعی آن به طور فزاینده‌ای مورد تردید واقع شد که حتی به مخالفت یا تنفر نیز انجامید. تاثیر نهضت مدرن در گسترده‌ترین شکل معماری کلاسیک نو- یعنی پست مدرن- باقی ماند. گرایش در این زمینه نه تنها نهضت معماری مدرن، بلکه بیشتر معماری قرن نوزدهم را در خلق و احیای مجدد یک سبک کامل تاریخی انکار کرده است. به تدریج عده‌ای از معماران به سنت کلاسیک بازگشت کردند، اما کماکان نهضت مدرن بر نهادی هنری و معماری مسلط بود.

بناهای کلاسیک

معبد

انواع مشخص بناهای کلاسیک، طی قرن‌های و از طریق مشارکت نسل‌های متوالی معماران، سیر تکاملی خود را پیموده‌اند. گاهی از انواع بناها به دلایل عملکرد و یا پیوستگی تاریخی آنها، با یک سری عناصر مشخص ساخته می‌شوند. از میان انواع بناهای کلاسیک، معبد بیشتر از سایر انواع بنا می‌تواند به صورت نمادین شناخته شود که الگویی مشخص دارد. بنای مادلن در پاریس که توسط پی‌یر وینو در 1807 طراحی گردید و هدف آن تجلیل عظمت ارتش ناپلئون بود، ظاهری شبیه یک معبد بزرگ رومی دارد. بنای یاد بود لینکلن در واشنگتن، یادمانی از یک قهرمانی ملی است که به نحو موفقیت‌آمیزی عملکرد مشابهی را با آنچه در معابد باستانی مشاهده می‌گردد برآورده می‌نماید.

باسیلیکا و معابد مدور

عملکردهای تجاری و قانونی شهرهای رومی از طریق احداث تالارهای سرپوشیده بزرگ یا به اصطلاح باسیلیکاها تحقیق می‌یافت که معمولاً این بناها، یک دادگاه و یک تالار عمومی را در خود جای می‌دادند. ابعاد این تالارها متفاوت بودند اما عرض آنها به واسطه‌ی سازه‌های سقف آن زمان محدود بود. به طور کلی، باسیلیکا یکی از عمده‌ترین دستاوردهای معماری تمدن روم باستان شده بود. پس از مسیحیت، معماران، باسیلیکا را با تجمع دیگری برای امپراتوری دینی مسیحیت تکامل

بخشیدند. معابد مدور رومی نیز به معماری مسیحیت راه یافتند. نمونه‌های اولیه‌ی تعمیرگاه‌های مسیحی، مثل آنچه کنستانتین در 430 بعد از میلاد مسیح در روم ساخت، اغلب دارای طرح مدور یا شبه مدور هستند. طراحان این بناها، با اقتباس از معماری معبد مدور، که در ارتباط با مرگ بود، و وارد کردن نمادگرایی تعمیر، به منزله‌ی رهایی از مرگ، در واقع یک شکل باستانی رومی را در سنت جدید معماری مسیحی حفظ کردند.

کلیساهای رنسانس و باروک

مسیحیان غربی، به نیایش در کلیساهای که شکل باسیلیکا را حفظ کرده بودند، ادامه دادند. و به دلیل کاربری مشترک مکان عبادت، نقشه‌ی باسیلیکا همچنان در طراحی کلیسا تبدیل به یک سنت راسخ شد. هنگامی که معماران دوره‌ی رنسانس شروع به ایجاد تغییر در میراث گوتیک معماری کلیساها کردند، در ابتدا فقط نقشه‌ی باسیلیکایی کلیساهای قرون وسطای را منطقی‌تر ساختند و سپس جزئیات تزئینات آن را بسته به علائق جدید خود با هدف هماهنگی و انطباق با معماری جهان باستان، تغییر دادند. تلاش در جهت تکامل شکل‌های هندسی مورد نظر، توجه معماران دوره‌ی رنسانس را به سمت بناهای مدور باستانی و نقشه‌های گنبدی شکل و مقاطع یونانیان بیزانس معطوف کرد. بنای مادوناوی سن بیاگو در مونته پولچیانو متعلق به 1518 اثر آنتونیودی سانگالو از بزرگترین کلیساهایی بوده که در ایتالیا طراحی شده و دارای نقشه‌ای است که دوایر و تقاطع آن‌ها در داخل یک مربع استقرار می‌یابند. از چنین نقشه‌های ایده‌آل برای عبادتگاه‌هایی که جنبه‌ی یادواره‌ای داشتند یا دیگر

کلیساهای خصوصی استفاه می‌شد. در بناهای کلیسای سن پل در لندن، نقشه‌ی متقاطع یونانی دوره‌ی رنسانس با شبستان سنتی و محل استقرار سرایندگان کُر کلیساهای گوتیک انگلستان، به راحتی درهم آمیخته شده است.

خانه‌های دوران باستان

در روزگاران باستان، خانه‌های شهری از طریق حیاط‌های محصور خود به دورن توجه داشتند. خانه‌ی یونانی ابتدائی، متشکل از یک اتاق مستطیل شکل با یک ایوان ورودی بود که توسط ستون‌هایی نگه داشته می‌شد. از قرن پنجم، خانه‌های یونانی در اطراف حیاط مرکزی ساخته می‌شد. از قرن اول قبل از میلاد مسیح، شیوه‌ی زندگی تجملی یونانی‌ها در جنوب ایتالیا، رواق در بنا را به رومی‌ها معرفی نمود. در این شیوه، حیاط مرکزی دارای ستون‌هایی است که یک باغ مرکزی و اتاق پذیرایی مخصوص به خود را داراست. رومی‌ها تمامی اوقات خود را در خانه‌های شهری خود نمی‌گذراندند، بلکه خانه‌هایی ویلایی و بیلاقی در کنار سواحل دریا داشتند که مدتی از سال را در آنجا می‌گذراندند.

قصرها و ویلاهای رنسانس و باروک

معمولاً نجبای اروپایی وسطی به دلایل امنیتی در بناهای دارای استحکامات نظامی زندگی می‌کردند. در اثنای قرن شانزدهم حیات سیاسی نسبتاً آرام، اغلب به نجبا اجازه می‌داد تا از قصرهای خود به مکان‌هایی با شرایط و مقتضیات راحت‌تر انتقال یابند. فضای نامحدود و عناصر معماری باروک، به معمارانی چون "لویی لوو" این اجازه را می‌داد که حجم‌های داخلی و ترکیب‌های پیکره‌سازانه خلق کنند که تاثیر عمیقی در برنامه‌ریزی معماری آینده به جا گذاشت. در ایتالیا، سنت‌های شهری در حال تداوم بود. با این حال، نجبا درست در وسط شهر عمارت‌های کلاه‌فرنگی داشتند که به درون توجه داشت. باغ مستقر در حیاط مرکزی بی‌پیرایه بودند و به وسیله‌ی نماهای باز احاطه می‌شدند. در نماها، سقف‌ها نقاشی می‌شد و با حجاری‌های ظریف از مجسمه‌های خدایان باستان تزئین می‌شد.

خانه‌های کوچک شهری

در شهرها، اغلب عرض بناها به واسطه‌ی ارزش گران زمین رو به خیابان، محدود بود. این امر طرح خانه‌ها را با محدودیت روبرو می‌ساخت، چون در مورد بسیاری روشنی روز تنها از جلو و عقب ساختمان تامین می‌گردید و در نتیجه پله‌ها، راهروها و ورودی اصلی اتاق‌ها می‌بایست در گوشه‌ای دیگر از بنا استقرار یابند. در کشورهای بنلوکس (شامل بلژیک، هلند، و لوکزامبورگ) که دارای سنت طولانی خانه‌های کم عرض هستند، به دلیل ارزش تجاری جبهه ساختمان در مسیر خیابان‌ها و کانال‌های آبرو، مهندسان و معماران سعی می‌کنند خانه‌ها را به نحوی به سوی این مناطق سوق دهند.

خانه‌ها تنها به واسطه‌ی اندازه و میزان تزئینات داخلی و خارجی آن‌ها متمایز می‌شدند که برای اشراف ساخته شده‌اند یا صنعتگران و سایر طبقات اجتماع.

در قرن بیستم، مشکل طراحی خانه‌های کوچک شهری، بدلیل شیوع مالکیت وسایط نقلیه موتوری، اساساً تغییر کرده است. زیرا در حالی که معمولاً تنها یک جبهه‌ی ورودی از خیابان در دسترس نیست، باید ورود اتومبیل را با شرایط خانه انطباق داد.

خانه‌های کوچک بیلاقی

خانه‌های کوچک بیلاقی از لحاظ نوع هم می‌تواند در شهرها مستقر باشند، هم در حومه‌ی شهرها و همچنین در بیلاقات. اما به هر حال، علی‌رغم بسیاری شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌های بسیار هم با هم داشتند.

کاربردهای جدید، تفاسیر جدید

همانطور که زمان تغییر می‌کند، بناها نیز مجبور به تغییر هستند. امروزه، همانند گذشته، سنت کلاسیک به این منظور اقتباس شده و تحول یافته است که شرایط و مقتضیات لازم برای کاربردی‌هایی متفاوت با آنچه در قبل بوده فراهم آورده. ایستگاه راه آهن پنسیلوانیا در نیویورک به وسیله‌ی مک کیم، مید و وایت در 1904 برای قطارهای برقی که از مرکز تجاری پر ازدحام منهتن عبور می‌کردند، طراحی شد. عناصر اصلی همبستگی این بنای وسیع که میان تلاقی پیچیده‌ی مردم،

اتومبیل‌ها و قطارها در درون یک طرح کلاسیک منظم اداری امور را به عهده داشت، ملهم از بناهای حمام‌های رومی است، جدا از مساله دود ناشی از بخار قطارها، تغییر یافته است. در 1839 نیز در شهر دانشگاهی آکسفورد، ساختمانی برای موزه بنا گردید که کاملاً نیازهای متنوع کاربری یک موزه جدید در ترکیب با عناصر هنر یونان و رنسانس در هم آمیخته است تا بنای اصیل و زیبا خلق گردد. البته بناها و عمارت‌های گوناگونی به این ترتیب ساخته شده‌اند.

تکنولوژی‌های جدید

در سراسر تاریخ، روش‌های تازه ساخت و ساز، و تهیه مواد و مصالح ساختمانی جدید مرتباً ابداع شده است. معماران دوره‌ی کلاسیک این نوآوری‌ها را پذیرفتند و آنها را از طریق توسعه‌ی سنت معماری کلاسیک وارد کارهای خود کردند تا برای تکنولوژی‌های جدید نیز فضای مناسب را فراهم آورد. یونانی‌های دورن باستان، بناهای چوبی خود را به بناهای سنگی تغییر دادند و رومی‌ها قوس و آجر را جزء ضروریات معماری کلاسیک خود ساختند. در قرون نوزده و بیست، روند تغییرات عملاً شتاب گرفت و نوآوری صنعتی دوشادوش رشد کاملاً پیچیده و جامعه پر ازدحام همراه شد. مواد و مصالح جدید به وفور در دسترس قرار گرفت و این امر طراحان را قادر به تولید انبوه نمود که این کار در قرون اولیه مستلزم هزینه‌ی گزافی بود.

معماری کلاسیک اجباری نداشته است که جدی، مقید یا انعطاف ناپذیر عمل کند. تجارب و تجمل‌گرایی گذشته تبدیل به زوائد دائمی سنت معماری شده‌اند. در عهد قدیم، ستون‌های منفرد اغلب به قصد تذکر و یادآوری، یا مناسک مذهبی و حفظ هدایای تقدیمی به خدایان، غنائم جنگی یا مجسمه‌ها برافراشته می‌شدند. رومی‌ها در طرح مقابر خود از قوه‌ی تخیل بالایی برخوردار بودند. دروازه‌ها و ورودی‌های الهام گرفته از خانه‌های بزرگ قرن هفدهم به بعد، غالباً خانه‌های کوچک متعلق به مستخدمان را نیز در بر می‌گیرند. مواردی از این دست آنچنان زیاد است که حتی شامل ویرانه‌های تصنعی کلاسیک نیز می‌شده است تا موجب تقویت جو رومانتیک یک باغ انگلیسی متعلق به قرن هجدهم گردید. در واقع برای فرصت‌های مناسبی که در خدمت عملکردهای متفاوت با طرح‌های کلاسیک ابتکاری قرار گیرند، محدودیتی وجود ندارد.

نظام‌ها (شیوه‌های ستون‌سازی)

نظام‌ها

نظام‌های ستون‌سازها، در تمام سبک‌های کلاسیک، نقش اساسی دارند. پنج نظام ستون‌سازی وجود داشته است که سه نظام اصلی آن عبارتند از دوریک یا دوریابی، ایونیک یا ایونیایی، و کورنتی یا قرنتی.

سرستون، ابتدای‌ترین راه تشخیص هر نظام است. نظام‌ها در اصل نظام تناسباتی هستند و نسبت‌های هر بخش در هر نظام متفاوت است. این محاسبه‌ی تناسبات برحسب اجزاء و اضعاف اندازه‌ی قطر، "پیمون" نامیده می‌شود. مولفان قرن‌ها تناسبات و جزئیات آرمانی را انتشار می‌دادند. مولفانی چون آندره پلادیو، زمینه‌ی مفید و بنیادینی را برای طراحی کلاسیک پدید آوردند.

نظام دوریک: خاستگاه

نظام دوریک مبنای دیگر نظام‌های است هر چند منشاء و خاستگاه آن مشخص نیست. بسیاری از ویژگی‌های تزئینات سنگی نظام دوریک به روشنی از ساختارهای چوبی برگرفته شده است. در دوران باستان معبد دارای دیوارهای خشتی بوده و دو ستون چوبی تیرهای چوبی را نگه می‌داشته‌اند. ستون‌های چوبی با یک صفحه‌ی تخته‌ای یا سنگی به سرستون ختم می‌شوند اتصال آنها به هم با تیرهایی است که با تخته‌های کوتاه به هم کلاف شده‌اند، که به آنها "رگولا" می‌گویند.

